تبعات ضربه اطلاعاتی و نظامی مقاومت به رژیم صهیونیستی، ادامه‌دار است

دومینوی شکست

فرهیختگان

یک هفته از آغاز «طوفان الاقصی» در فلسطین اشغالی می‌گذرد و همچنان رسانه‌های غربی در تلاشند تا جزئیات بیشتری از حمله «برق‌آسا» و «غافلگیرکننده» گروه‌های مقاومت علیه رژیم صهیونیستی را منتشر کنند. بیش از رسانه‌ها، این نهادهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی هستند که می‌خواهند به جزئیات این غافلگیری پی ببرند. هر دو گروه البته تا اینجای کار معتقدند سرویس‌های نظامی و جاسوسی رژیم صهیونیستی، ضربه بزرگی خورده است. روزنامه «نیویورک تایمز» با اشاره به اینکه سرویس‌های نظامی و جاسوسی اسرائیل جزو «بهترین‌های جهان» به حساب می‌آیند، رخداد روز شنبه را «شکست‌های عملیاتی و اطلاعاتی» خوانده که منجر به بدترین «نقض دفاعی اسرائیل در نیم قرن گذشته» شده است.

اگرچه برخی رسانه‌ها مدعی شده‌اند چند روز پیش از عملیات، از طریق مصر اطلاعاتی به رژیم صهیونیستی در این باره داده شده اما نیویورک تایمز نوشته اولین شکست ماه‌ها قبل از حمله به رژیم وارد شده است زیرا روسای امنیتی اسرائیل «فرضیات نادرستی» درمورد میزان تهدیدی که حماس از غزه برای اسرائیل ایجاد می‌کرد، مطرح کردند. حماس در دو جنگ جهاد اسلامی با رژیم شرکت نکرده بود و حتی ماه گذشته، رهبری حماس در توافقی با میانجیگری قطر درگیری‌ها در امتداد مرز پایان داد و این تصور را ایجاد کرد که به دنبال تشدید تنش نیست. این باعث شده بود تا کمی پیش از حمله روز شنبه، اطلاعات اسرائیل وقتی که افزایش فعالیت‌ها در برخی از شبکه‌های شبه نظامی غزه را شناسایی کرد و هشدارهایی را به سربازان محافظ مرز ارسال کرد، این پیام‌ها یا به آنها نرسد یا بررسی نشود. ABC NEWS در گزارشی ادعا کرده که ۱۲ سپتامبر (۲۱ شهریورماه) حماس یک ویدئوی تبلیغاتی دو دقیقه‌ای را در رسانه‌های اجتماعی منتشر کرده که تقریبا شبیه سازی عملیات روز شنبه بوده است. در این عملیات حماس ماکت یک شهر در کرانه باختری را طراحی کرده و روی آن عملیات‌هایی شبیه روز شنبه را پیاده‌سازی کرده است. خبرگزاری آسوشیتدپرس با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای، متوجه شد که این شهر ساختگی «هورش یارون»، شهرک اسرائیلی در کرانه باختری فلسطین اشغالی بوده است. «بردلی بومن»، افسر سابق ارتش ایالات متحده که اکنون مدیر ارشد «مرکز قدرت نظامی و سیاسی در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»ست، در تحلیل این ویدئو گفته که «حماس عمدا مقامات اسرائیلی را به این باور رسانده است که برای انجام حملات به کرانه باختری به جای غزه آماده می‌شود». این گزاره یعنی آمادگی مقاومت برای طراحی عملیات در کرانه باختری، برای صهیونیست‌ها تقریبا مسجل بود چراکه دو هفته قبل از عملیات شبیه‌سازی شده حماس، «صالح العاروری»، معاون دفتر سیاسی حماس، هوشمندانه با المیادین گفت‌وگو کرد و به گونه‌ای سخن گفت که گویا قرار است کرانه باختری هدف باشد. او از قدرتمندتر شدن مقاومت در کرانه باختری گفته و از تمامی جوانان فلسطینی در کرانه باختری اشغالی خواسته بود تا «به هر نحو ممکن» در مقاومت شرکت کنند. العاروری همچنین به صهیونیست‌ها هشدار داده بود اگر به سیاست‌های افراطی شان ادامه دهند «جنگی همه‌جانبه در منطقه ایجاد خواهند کرد.»

حماس برای گمراه کردن صهیونیست‌ها حتی در تماس‌هایی که توسط ماموران اطلاعاتی اسرائیل شنود می‌شد، این حس را نیز به وجود آورده بودند که آنها به دنبال «اجتناب از جنگ دیگری با اسرائیل» در آینده نزدیک هستند. مجموع این طراحی مقاومت، باعث شد تا هفته قبل هنگامی که مقامات اطلاعاتی اسرائیل به روسای ارشد امنیتی در مورد فوری‌ترین تهدیدات برای دفاع اطلاع دادند، آنها بر خطرات ناشی از لبنان در امتداد مرز شمالی اسرائیل تمرکز کنند.

صهیونیست‌ها با کنار هم قرار دادن این تهدید و عملیات شبیه‌سازی شده، مطمئن بودند باید نیرو و لجستیک بیشتری را در کرانه باختری مستقر کنند. این یعنی مقاومت گام نخست را به درستی برداشته بود و سرویس‌های جاسوسی رژیم را فریب داده بود.

ساعت ۷ صبح روز ۷ اکتبر، عملیات نه از کرانه باختری که از غزه آغاز شد. یکی از اصلی‌ترین اقدامات مقاومت، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین برای غیرفعال کردن ایستگاه‌های ارتباطی ارتش رژیم صهیونیستی بود تا از این طریق، نظارت از راه دور سربازان اسرائیلی مختل شود. این پهپادها که حامل مواد منفجره بودند، علاوه بر از کار انداختن این ایستگاه‌ها، مسلسل‌های کنترل از راه دور را که اسرائیل در استحکامات مرزی خود نصب کرده بود، منهدم کردند و ابزار کلیدی برای مبارزه با حمله زمینی را از بین بردند. پیش از آن، حماس با شلیک ۵ هزار موشک و راکت، شهرک‌های صهیونیست را زیر آتش سهمگین قرار داد. برخی گزارش‌های تایید نشده حتی حکایت از عملیات سایبری در این نبرد دارد. اما تا این لحظه این موضوع تایید یا رد نشده است. به موازات از کار افتادن ایستگاه‌های نظارتی بولدوزرها وارد میدان شدند تا بیش از ۳۰ نقطه در حصار مرزی که با دیوارهای ۶ متری دوبل محافظت می‌شد را باز کنند.

ضربه سهمگین‌تر از عملیات

از کار انداختن سیستم مراقبت مرزی پیچیده‌ترین بخش عملیات روز شنبه بود. این سیستم به طور کامل متکی به دوربین‌ها، حسگرها و مسلسل‌هایی بود که از راه دور کار می‌کنند. فرماندهان رژیم معتقد بودند که این سیستم تسخیرناپذیر در کنار ترکیبی از نظارت و تسلیحات از راه دور، موانع روی زمین و دیوار زیرزمینی اسرائیل، نفوذ به سرزمین‌های اشغالی را ناممکن می‌کند. از همین رو تعداد قابل توجهی از سربازان را که در طول خط مرزی حضور داشتند، کاهش دادند تا به گفته «اسرائیل زیو»، ژنرال بازنشسته که سال‌ها فرماندهی نیروی زمینی در جنوب را بر عهده داشت نیروها به مناطق مورد نگرانی از جمله کرانه باختری منتقل شوند.

ABC NEWS از کاشته شدن بذرهای شکست رژیم در حداقل یک دهه قبل یعنی زمانی گفته که رژیم در مواجهه با حملات مکرر شبه نظامیان حماس که در زیر حصار مرزی اسرائیل تونل می‌زدند، یک راه حل بسیار ملموس را پیشنهاد کرد؛ «ساخت دیوار بزرگ‌تر» این پیشنهاد پروژه ۱٫۱ میلیارد دلاری در امتداد مرز زمینی ۴۰ مایلی با غزه در سال ۲۰۲۱ به پایان رسید. مانع جدید و ارتقایافته شامل یک «حصار هوشمند» تا شش متر و مملو از دوربین‌هایی که در تاریکی می‌توانند ببینند، سیم خاردار و سنسورهای لرزه‌ای که قادر به تشخیص حفر تونل‌هایی در عمق بیش از ۲۰۰ فوتی هستند و پست‌های نگهبانی سرنشین‌دار با برج‌های بتنی با مسلسل‌های کنترل از راه دور بودند.

اما اندکی پس از سپیده‌دم روز شنبه نیروهای حماس در عرض چند دقیقه از دیوار ۱٫۱ میلیارد دلاری عبور کردند. آنها این کار را با هزینه نسبتا ارزانی انجام دادند؛ مواد منفجره برای سوراخ کردن دیوارها و سپس ارسال بولدوزرها برای گسترش شکاف‌ها. هنگامی که دیوار شکسته شد صدها نیروی حماس از آن عبور کردند. چهار مقام ارشد امنیتی اسرائیل که خواستند نام‌شان فاش نشود به نیویورک تایمز گفته‌اند که این شکست‌ها و ضعف‌های عملیاتی در میان طیف گسترده‌ای از نقص‌های لجستیکی و اطلاعاتی توسط سرویس‌های امنیتی اسرائیل بود که راه را برای تهاجم غزه به جنوب اسرائیل هموار کرد.

نفوذ مقاومت به بیش از ۲۰ شهرک و پایگاه ارتش اسرائیل بدترین نقض دفاع اسرائیل در ۵۰ سال گذشته بود و احساس امنیت این کشور را در هم شکست. برای ساعت‌ها قوی‌ترین ارتش خاورمیانه! برای مقابله با دشمن بسیار ضعیف‌تر ناتوان بود. عملیات به اندازه‌ای برق‌آسا و در محورهای حداقل شش‌گانه اجرا شد که نیروهای مقاومت به سادگی توانستند جدا از به هلاکت رساندن بیش از ۱۲۰۰ نفر، ۱۵۰ نفر را هم اسیر گرفته و به غزه منتقل کنند.

به اعتقاد تحلیلگران، پیامد این عملیات برای امنیت اسرائیل فاجعه‌بار بوده و به شهرت آن در منطقه به عنوان یک شریک نظامی قابل اعتماد آسیب شدیدی رساند. اگرچه هنوز درگیری‌ها در خارج از غزه ادامه دارد اما بیش از دو روز طول کشید تا نیروهای اسرائیلی کنترل خود را به دست گیرند. این حملات از نظر تاکتیک و مقیاس بی‌سابقه بودند زیرا اسرائیل از زمان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ با دشمنان خود در نبردهای خیابانی در خاک خود روبه‌رو نشده است. شاید بهترین جمله در توصیف وضعیت رایوئل گوزانسکی، یکی از مقامات ارشد سابق شورای امنیت ملی اسرائیل کرده باشد که گفته «ما میلیاردها و میلیاردها برای جمع‌آوری اطلاعات درباره حماس هزینه کردیم. سپس در یک ثانیه همه چیز مانند دومینو فروریخت.»

هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد

سلسله شکست‌های رژیم صهیونیستی پس از سال ۲۰۰۰ باعث شده تا دیگر هیچ تحلیلگری، دکترین مناخیم بگین که راهبرد آن مبتنی بر «حمله پیش دستانه» بود را به یاد نیاورد؛ دکترینی که در سال ۲۰۰۶ به استراتژی دفاعی تبدیل شد و اکنون نیز این استراتژی دفاعی شکست بسیار سهمگین و بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد. شاید طراحان عملیات هم فکرش را نمی‌کردند که به این سادگی رژیم از هم فروبپاشد. ان. بی. آلترمن، مدیر برنامه خاورمیانه در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در این باره نوشته که «حماس احتمالا موفق‌تر از آن چیزی بود که فکر می‌کرد اما به نفع خود نیز موفق‌تر از آن چیزی بود که باید می‌بود.»

مبارزه جواب می‌دهد

رژیم صهیونیستی سال‌هاست مذاکره صلح با فلسطینیان را پایان داده و حاضر به تن دادن به راهکار دودولتی طبق توافقات نیست. این رژیم نزدیک به شش هزار فلسطینی را در زندان‌های خود محبوس کرده و هیچ شکلی از مذاکره برای تبادل را نیز نمی‌پذیرد. علاوه بر این با دولت راستگرای جدید، یک نسل‌کشی آرام در سرزمین‌های اشغالی را آغاز کرده و تا پیش از جنگ اخیر در همین سال ۲۰۲۳ نزدیک به ۳۰۰ نفر را به شهادت رسانده است. در کنار این جنایت، شهرک‌سازی در کرانه باختری را شدت بخشیده و در قدس به صورتی دیوانه‌وار آثار اسلام را از بین برده است. روی کاغذ، فلسطینی‌ها هیچ ابزاری برای احقاق حقوق خود ندارند. پروژه‌های عادی‌سازی هم که با محوریت کشورهای عربی در پیش گرفته شده، تا به امروز نتوانسته حتی به اندازه یک وعده غذایی به فلسطینی‌ها کمک کند. در چنین شرایطی، فلسطینی‌ها بین دو راه مخیر هستند: یا مرگ یا مبارزه. آنها دومی را برگزیدند و شنبه عملیات طوفان الاقصی را اول برای مجازات اسرائیل به خاطر اشغال، ظلم، شهرک‌سازی غیرقانونی و هتک حرمت به نمادهای مذهبی فلسطین، به ویژه مسجد الاقصی و دوم برای آزادی زندانیانش و سوم برای پایان دادن به عادی‌سازی رابطه اعراب با رژیم آپارتاید اجرا کرد. اینکه سرنوشت این جنگ چه خواهد شد، به ایمان و سلاح‌هایی مربوط است که مقاومت و مردم فلسطین دارند اما به طور حتم هر تصمیمی به جز مقاومت، مرگ تدریجی رویای فلسطین است.

لفاظی در برابر ایران

در سال‌های اخیر مقامات رژیم صهیونیستی تلاش داشته‌اند با لفاظی‌های پی در پی، از قدرت خود در برابر ایران سخن بگویند. یکی از این لفاظی‌ها را «دیوید بارنیا» رئیس سازمان اطلاعات و عملیات ویژه اسرائیل (موساد) همین چند هفته پیش داشت. او با حالتی مغرورانه ضمن بیان اینکه «تاوان حمله‌های جمهوری اسلامی را از بلندپایه‌ترین مقامات در قلب ایران می‌گیریم» مدعی شد «موساد و سایر نهادهای اطلاعاتی این کشور از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون ۲۷ عملیات تروریستی حکومت ایران علیه اسرائیلی‌ها را تقریبا در همه قاره‌های جهان خنثی کرده‌اند.» بعد یک مقام سابق این اظهارات را لفاظی خواند تا واقعیت این رژیم هویدا شود. البته حماس و سایر گروه‌های مقاومت این را به اثبات رساندند. آنچه بیش از هر چیز این عملیات را معنادار کرده است، اجرای عملیات کمی پس از سخنرانی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در سازمان ملل متحد و سخن گفتن او از «خاورمیانه جدید با محوریت اسرائیل و شرکای عرب جدید» ش و حملات لفظی به ایران بود. حالا مقاومت آن نقاشی‌ای که در سازمان ملل را در دست داشت، بی‌معنا کرده است. رژیم در برابر این بی‌حیثیتی دو راه بیشتر ندارد و این بیش از شدت ضربه آنان را کلافه کرده است. آنها اگر بگویند عملیات طراحی حماس بوده است، عملا به ناتوانی و اضمحلال عملیاتی و جاسوسی خود اعتراف کرده‌اند و اگر بگویند کار ایران بوده است، ضمن اعتراف به قدرت ایران، توان پاسخگویی در این سطح را ندارند. از این رو فعلا با جنایت جنگی و ریختن بمب بر منازل مردم، خشم خود را فرو می‌نشانند تا بلکه این جنگ به هر شکلی که هست، پایان یابد.

اما حتی اگر این جنگ به نقطه پایانش برسد، مقاومت پایان بردار نیست. جبهه مقاومت پس از چند دهه موفق شده است حلقه محاصره رژیم را تنگ‌تر کند؛ کاری که کشورهای عربی در جنگ‌های مختلف از انجام آن عاجز بودند. صهیونیست‌ها برای نجات از این وضعیت، به دیوارهای حائل و ایجاد موانع پناه بردند اما آنها نیز نتوانست امنیت را به این رژیم جعلی بازگرداند. مقاومت، رویای رخنه‌ناپذیر بودن رژیم را با تسلیحات معمولی در هم شکست. اگر معرکه بخواهد بالا بگیرد، تسلیحات جدید روی میز خواهند آمد؛ یکی از آنها موشک عیاش ۲۵۰ بود که روز گذشته کتائب شهید عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس برای اولین بار از آن استفاده کرد و شمال فلسطین اشغالی را هدف قرار داد. اکنون با عملیات مقاومت، شاید به مرزهای غزه افزوده نشده باشد اما صهیونیست‌ها دیگر جرات زندگی در شهرک‌های اطراف غزه را نخواهند داشت و عملا این شهرک‌ها خالی از سکنه باقی خواهند ماند.

معانی سفرها و مواضع وزیر خارجه ایران

حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران روز پنجشنبه هفته گذشته (۲۰ مهر/۱۲ اکتبر) تنها یک روز پس از آغاز سفرهای منطقه‌ای آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، تور منطقه‌ای خود به کشورهای عضو محور مقاومت را آغاز کرد. او در نخستین سفر وارد بغداد و سپس راهی بیروت و دمشق شد. به صورت همزمان و در همان حوالی، آنتونی بلینکن با حالی زار و غمزده ضمن اعلام این نکته که نه صرفا به عنوان وزیر خارجه آمریکا بلکه به عنوان «یک یهودی» به منطقه آمده، در حال پیمودن فواصل کوتاه میان اردن، فلسطین اشغالی و مصر بوده است.

۱- در جریان سفر وزیر خارجه، تهران به صراحت درباره ورود گروه‌های عضو محور مقاومت به جنگ علیه صهیونیست‌ها در صورت توسعه جنایت‌های این رژیم به رژیم و حامیانش هشدار داد. سخنان وزیر خارجه ایران معنایی قابل درک دارد؛ نخست آنکه از واکنش محتمل گروه‌های مقاومت صحبت شده است. به عبارتی دیگر، تمام گروه‌های مقاومت بر واکنش متفق‌القولند، اما واکنش‌ها هم‌تراز و مشابه نخواهد بود. هرکدام از این گروه‌ها در برهه‌ای و از زاویه‌ای به جنگ ورود خواهند کرد. این موضع‌گیری نشان می‌دهد بعضی از گروه‌ها به شکل زمینی وارد شده (لبنان)، برخی دیگر محل پرتاب راکت و موشک خواهند بود (سوریه)، مناطقی به سکوی پرتاب پهپاد تبدیل شده (عراق)، و نقاطی نیز برای مسدودسازی مسیرهای تجاری رژیم ایجاد خواهد شد (یمن و خلیج فارس).

بیان این سخنان از سوی وزیر خارجه ایران نیز به جهت «بیان مستقیم و شفاف»، «سطح بالای اعلام پیغام» و «تاکید بر حضور دولت‌های مقاومت در مقابله‌های آتی» صورت گرفته است. با بیان این پیام از بالاترین سطح که به صورت کوتاه خلاصه و به عبارتی جمع‌بندی شده بیان شد، برای غرب و صهیونیست‌ها محرز است گسترش کشتار در غزه، درهای کدام طبقه از «جهنم» را برایشان باز خواهد کرد؛ دری صرفا در جبهه شمالی یا موشک‌ها و پهپادهایی که از عراق در شرق و از یمن در جنوب پرتاب خواهند شد.

نباید فراموش کرد وزیر خارجه ایران این سخنان را پس از سفر به عراق، سوریه و در شهر بیروت پایتخت لبنان بیان کرده است. در این روند، زنجیره مقاومتی شامل ایران، عراق، سوریه و لبنان مشخص است. این زنجیره به منبع بزرگی مانند ایران متصل است که تسلیحاتش همانند نوار غزه با مشکل ذخایر مواجه نیست.

۲- هنگامی که بلینکن برنامه سفر خود به منطقه را برنامه‌ریزی می‌کرد، ایران نیز متقابلا در حال برنامه‌ریزی سفر عبداللهیان به کشورهای منطقه برای حمایت از فلسطین می‌شد. بلینکن روز یکشنبه (۱۶ مهر/۸ اکتبر) در دومین روز جنگ با فیصل بن فرحان وزیر امور خارجه عربستان سعودی، سامح شکری وزیر خارجه مصر و هاکان فیدان وزیر خارجه ترکیه، متحدان منطقه‌ای کشورش گفت‌وگو کرد تا در همفکری با آنان بتواند راه گریزی برای صهیونیست‌ها بیابد. این سه کشور طی دهه‌های اخیر هرگاه صهیونیست‌ها در مخمصه افتاده‌اند، با سوءاستفاده از جایگاه اسلامی و عربی خود به قضایای فلسطین ورود کرده و تلاش داشته‌اند صحنه را به نفع تل‌آویو تغییر دهند. وزیر خارجه آمریکا، تنها دو روز پس از این گفت‌وگوهای مهم راهی منطقه شد تا به اردن، رژیم صهیونیستی و مصر سفر کند. در مقابل محور متشکل از آمریکا به همراه متحدان منطقه‌ای این کشور شامل عربستان سعودی، ترکیه، مصر و اردن، ایران نیز در حال تقویت گفت‌وگو با کشورهای عضو محور مقاومت شامل عراق، سوریه و لبنان است. این دیدارها با برجسته‌سازی محور مقاومت مانع از بزرگ‌نمایی محور آمریکایی در منطقه می‌شود؛ چه اینکه بزرگ‌نمایی محور آمریکایی می‌تواند به لحاظ سیاسی فشارها بر فلسطین برای پایان جنگ براساس چهارچوب خواست‌های این کشور را افزایش دهد.

در کنار صف‌آرایی سیاسی محور مقاومت در برابر محور آمریکایی در منطقه، با اعلام رسمی و قاطع عبداللهیان مبنی بر ورود دیگر اضلاع محور مقاومت به درگیری‌ها در صورت تشدید تنش‌ها، محور مقاومت ضمن آنکه یک ابزار مهم اعمال فشار بر گروه‌های مقاومتی غزه یعنی «کشتار» و «اخراج» مردم را کند کرد، با ابراز آمادگی میدانی نشان داد در برابر محور آمریکایی که از میدان گریزان است، برتری‌هایی دارد. این به رخ کشیدن برتری ضمن ذایل ساختن فشارهای آمریکایی به غزه برای حرکت در چهارچوب مدنظر این کشور، می‌تواند پشتیبانی از فلسطین برای تداوم تحرکاتش برای احقاق حقوق مردم باشد.

مانور هوشمندانه ایران

ایران پیش از این و تاکنون همواره از دست یازیدن مستقیم به درگیری با رژیم صهیونیستی، علی‌رغم شیطنت صهیونیست‌ها خودداری کرده است. تل‌آویو قصد دارد با تبلیغ و بهانه قرار دادن حضور ایران در جنگ، ضمن کشاندن دیگر طرف‌ها به درگیری‌ها، شکست سنگین خود را به طور مستقیم متوجه تهران سازد. با این حال، گرچه صهیونیست‌ها در درگیری با اضلاع محور مقاومت به حضور مستقیم متحدان‌شان احساس نیاز دارند، اما نه این اضلاع نیازمند حضور ایرانند و نه تهران در مقابله خود با صهیونیست‌ها نیازی به حضور مستقیم احساس کرده است. حضور مستقیم ایران در قضایای فلسطین، صرفا مورد علاقه صهیونیست‌ها است و نه حتی متحدان غربی‌شان. غرب نیز می‌داند درگیری با ایران طبق آنچه صهیونیست‌ها می‌خواهند چه مشکلاتی برایشان ایجاد می‌کند. از همین رو نیز آنها در تمام دوره‌ها به ویژه دو رئیس جمهور کله‌شق آمریکا یعنی جورج بوش و ترامپ، در نهایت از مواجه مستقیم با ایران خودداری کردند.

صهیونیست‌ها با فضاسازی رسانه‌ای اغلب کوشیده‌اند دولت‌های غربی را که متکی به آرای مردمی هستند، برای حفظ وجهه و جایگاه ناگزیر از دخالت کنند. این دخالت‌ها لزوما در نقطه مشخصی هدف‌گذاری نشده و می‌تواند به شکل طیفی باشد؛ مانند بمباران منافع ایران در خارج از مرزهای کشور همچون سوریه. فشارهای رسانه‌ای علیه دولت‌های غربی و به ویژه آمریکا اما تاکنون به علت تبعات سنگین مواجهه مستقیم با تهران به نتیجه‌ای نرسیده است.

صهیونیست‌ها عملا در هدف‌گذاری طیفی خود به دنبال به واکنش کشاندن غرب برای مواجه نیمه مستقیم با ایران در کشورهای محور مقاومت هستند. تاکید مقام معظم رهبری در رد نقش ایران در «طوفان الاقصی» و اشاره به اینکه «طراحان مدبر و هوشمند» عملیات فلسطینی بودند، صهیونیست‌ها را در موضع انفعالی قرار داد و این گزاره را تثبیت کرد که ارتش قدرتمند صهیونیستی از یک گروه شبه نظامی چنین سخت شکست نظامی و اطلاعاتی خورده است.

پیروزی پیوست سیاست‌ورزانه «طوفان الاقصی»

همزمان با عملیات‌های نظامی در فلسطین اشغالی به عنوان شاخه نظامی طوفان الاقصی، این جنگ دارای پیوست‌های دیگری از رسانه گرفته تا سیاست است. صهیونیست‌ها در تلاش برای مظلوم‌نمایی و جنایت‌کار نشان دادن حماسند و همزمان تل‌آویو و متحدانش می‌کوشند صحنه سیاسی را بر طبق نظر و منافع خود ترسیم کنند. با این حال اوضاع در سیاست نیز به وفق مراد آنها نمی‌چرخد.

۱. تبدیل غرب به ابزار تعلل اجباری

نوع موضع‌گیری و تحرکات ایران مانع از تثبیت صف‌بندی‌ها و جمع‌بندی در مجموعه غرب برای واکنش شده است، چه اینکه اگر روایت صهیونیست‌ها مبنی بر حضور مستقیم ایران در درگیری‌ها به بار می‌نشست، صف‌بندی‌ها پررنگ‌تر می‌شدند. یکی از مزایای پررنگ شدن این صف‌بندی‌ها، اتخاذ تصمیمات نهایی و قاطع در جبهه غربی-صهیونیستی بود.

صهیونیست‌ها قصد داشتند به سرعت عملیاتی زمینی را برای کشتار فلسطینیان آغاز کنند که پیش از آن نیازمند بمباران‌های سنگین به عنوان «آتش تهیه» این تهاجم بود. با این وجود صهیونیست‌ها بدون تایید آمریکا قادر به توسعه بیش از اندازه جنایات‌شان علیه غزه و تدارک زمینی نیستند. به نظر می‌رسد واشنگتن در راستای منافع صهیونیست‌ها و البته برای کنترل نتانیاهو خواهان «زمان» برای ایجاد سازوکار اخراج ساکنان غزه از این منطقه به سمت مصر شده است. این تلاش هرچند در نهایت در صورت اجرا به زیان فلسطینیان است اما در کوتاه‌مدت فرصت را از صهیونیست‌ها می‌گیرد؛ امری که مانع از اجرایی شدن نهایی اخراج فلسطینیان از غزه می‌گردد.

بلینکن در پنجمین روز جنگ و پیش از سفر به فلسطین اشغالی گفته بود که «ما در حال گفت‌وگو برای بازگشایی کریدورهای امن با اسرائیل و مصر هستیم.» بلینکن ضمن بیان این موضوع که از جزئیات این اقدام صحبتی نمی‌کند، حماس را متهم به استفاده از غیرنظامیان به عنوان «سپر انسانی» کرد؛ ادعایی که قرار است به عنوان پوششی حقوق بشری برای موجه جلوه دادن اخراج فلسطینیان ساکن نوار غزه عمل کند.

واشنگتن هم اکنون در پوشش ایجاد گذرگاه امن برای خروج «اتباع خارجی حاضر در غزه از جمله ۵۰۰ شهروند آمریکایی» به دنبال تسری این گذرگاه به «کسانی است که خواهان خروج از وضعیت جنگی» هستند. برخلاف دسته نخست، دسته دوم را فلسطینیان ساکن غزه تشکیل می‌دهند که با خروج‌شان احتمال دارد گذرگاه امن به محلی برای اخراج تمام یا اغلب ساکنان غزه تبدیل شود.

این گذرگاه‌ها هرچه باشند بسیار سریع ایجاد نشده و فاقد کارایی مدنظر ایجادکنندگان خواهند شد. در نتیجه با تعلل ارتش رژیم، فرصت از دستان صهیونیست‌ها خارج شده و تل‌آویو زیر فشار مداوم جبهه خارجی به ویژه در شمال مجبور به فراموش کردن واکنش موثر خود خواهد شد.

این در حالی است که موضع‌گیری‌های سنگین و بی‌ضابطه موجب می‌شد جبهه‌بندی مدنظر صهیونیست‌ها به سرعت تشکیل شده و تصمیماتی قاطع‌تر برای اجرای سریع اتخاذ کنند که از جمله آن اینکه مجبور به تخریب بیشتر غزه بودند. به همین دلیل بود که وزیر خارجه ایران به جای موضع‌گیری هیجانی، بدون آنکه از قصد تهران برای تشدید اوضاع صحبت کند، تهدیدات محور مقاومت را به شکل هشدار به طرف مقابل گوشزد کرد. وزیر خارجه ایران در جریان تور منطقه‌ای خود به کشورهای عضو مقاومت گفته است: «آمریکا می‌خواهد به اسرائیل فرصت دهد که غزه را ویران کند و این خطای کامل آمریکاست و اگر آمریکایی‌ها به دنبال این هستند که جنگ در منطقه توسعه نیابد، باید اسرائیل را کنترل کنند.»

۲. تشدید گسست غربی-صهیونیستی

گروه‌های مقاومت منطقه اعلام کرده‌اند به جنگ وارد نمی‌شوند مگر در صورت وقوع «کشتار شدید مردم غزه» یا «ورود زمینی به غزه» که به معنای به راه افتادن جوی خون در این باریکه است. غرب که خواهان کشیده شدن به یک درگیری منطقه‌ای در غرب آسیا نیست، در شرایط کنونی به صهیونیست‌ها فشار می‌آورد که از حمله زمینی به غزه یا کشتار گسترده خودداری کند. باید در نظر داشت غرب حتی پیش از جنگ اوکراین نیز خواهان کشیده شدن به جنگ منطقه‌ای نبود و این مساله با افزایش تنش‌ها در شرق اروپا و آسیا، تشدید شده است.

جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز سه‌شنبه با بیان اینکه «جلوگیری از خشونت، کاهش تنش میان حماس و اسرائیل (رژیم) و آزادی اسرا باید در اولویت قرار گیرد» اولویت اتحادیه متبوعش درباره جنگ را بیان کرد؛ اولویتی که در آن حمایت از تلاش‌های تشدیدکننده اوضاع جایی ندارد. نگاهی به اظهارات مقامات اروپایی نشان می‌دهد آنها به دلیل نزدیکی به جنگ اوکراین، بسیار بیشتر از آمریکا درگیر این جنگ بوده و چندان تحت‌تاثیر وقایع فلسطین اشغالی قرار نگرفته‌اند. مقامات اروپایی در روزهای اخیر بر حمایت‌های خود از دولت اوکراین تاکید کرده و از فعل و انفعالات سیاسی در آمریکا که احتمال دارد به کاهش شدید کمک‌های این کشور به کی‌یف منجر گردد، ابراز نگرانی می‌کنند. گسست میان اولویت‌های غرب و صهیونیست‌ها، از اعتماد به نفس مقامات تل‌آویو کاسته و همزمان تاثیر بزرگی در میان نظامیان و شهرک‌نشینان خواهد داشت.